

## اسلام کاخ پوشالی بر تریہای نژادی را واژگون کرد !

تبعیضات نژادی در ایالات متحده - سیاستمداران شرمندہ !!  
ناسیونالیسم عرب - دنیای سرگردان !! - نمونہ ای از  
نظامات اجتماعی و تعالیم عالیہ اسلام .



### تبعیضات نژادی در آمریکا :

پیشرفت علم و صنعت همه جهات زندگی انسان را تغییر داده و در واقع انسان در یک دنیای نو و مدرن قرار گرفته است ! این تغییرات با اندازه ای عمومی است که حتی تبعیضات جامعہ بشری را هم بشکل تازه و جالبی در آورده ، و حشیانہ ترین اعمال بعنوان اخلاقی ترین آنها نام گذاری شده و زشت ترین کارها را بعنوان اساسی ترین اصول انسانی مرتکب میشوند !! و بالاخرہ همین تغییرات قشری ، «بردگی» قرون وسطائی و تفوق های نژادی جوامع بدوی و وحشی را در قالب تازہ ای ریخته و در اصول نظامات اجتماعی و سیاسی دنیای متمدن گنجانیدہ است !

«ہاری ہاریود» نویسنده بزرگ آمریکائی در کتاب «آزادی رنگیان» مینویسد:  
«درست است کہ بردگی با آن طرز کہ در قرون وسطی متداول بود از میان رفتہ است ، ولی بشکل طبقہ بندی ہنوز در نظام اجتماعی ما باقی ماندہ و کوشش میشود «سیاہان» در سطح پائین تری نگاہ داشته شوند

و گاہی در طی قوانین جائزہ حقوق آنان پایمال میگردد و بعضی اوقات بدون اعتناء بظاہر سازی دستگاہ دولت و احیاناً بدون اطلاع بانندک بہانہ از طرف مردم محکوم و بی پروا کشتہ می شوند ! » .

وضع سیاه پوستان را بعد از جنگ جهانی دوم در مالک متحده با صرف نظر از اینکه تجاوز و فشار با آنها باطناً جزو سیاست دولت میباشد؛ از وضع و اجراء قوانین خاص محلی که در بسیاری از ایالات اجرا میشود، میتوان تشریح کرد و ما برای نمونه پاره ای از قوانین ایالت «هی سی سی پی» را در اینجا میآوریم:

فصل هشتم از قانون تربیت و تعلیم ماده ۲۰۷ میگوید:

فرزندان سیاهان و سفیدان باید از هم دیگر جدا بوده و هر کدام از دو طبقه در مدرسه ای مخصوص بخودشان درس بخوانند!

فصل دهم از قانون اصلاح زندانها ماده ۲۲۵ میگوید:

مجلس محلی باید بقدر امکان وسائلی را که جدا کردن زندانیان سفید پوستان را از سیاه پوستان تأمین میکند تهیه و آماده سازد.

فصل چهارم از قوانین عمومی ماده ۲۶۳ میگوید:

ازدواج سفید پوست با سیاه خالص و یا دورگه و یا هر شخصی که خون زنگی بنحوی از انحاء درک او وارد شده باشد غیر قانونی و باطل است!!

از عجیبترین قوانین ایالت نامبرده قانون زیر است:

هر کس در نشر و توزیع نشریه ای ام از اینکه بوسیله دستگاه چاپ و یا ماشین تحریر و یا بادست نوشته شده باشد و مفاد آن دعوت مردم به برقرار ساختن مساوات اجتماعی و آزادی ازدواج سفیدان با سیاهان بوده و یا از این نظریه باز کرد دلیل و منطقی دفاع شده! و یا متضمن پیشنهاد هائی در این زمینه باشد، شرکت کند عمل او جرم محسوب شده و پرداخت غرامت حداکثر پانصد دلار و یا حبس حداکثرشش ماه و یا هر دو مجازات محکوم خواهد شد!!

«آلبراکن» نویسنده مشهور آمریکائی در کتاب «شکست دموکراسی در دنیای جدید» مینویسد: در بیشتر ایالات آمریکا قانوناً باید مسافری سیاه و سفید در قطار و اتومبیل از هم جدا باشند و بیماران هر صنف در بیمارستان جداگانه پذیرائی و پرستاری میشوند.

هوس و جنون تبعیضاتی و طبقه بندی تابانجا رسیده است که کتابهای کلاسیک مخصوص سیاهان در قفسه های جداگانه کتابخانه ها گذارده میشود!

سیاه حق ندارد از دردی که سفید عبور میکند وارد محوطه شود و «روبرت هالارد» مرد سیاه پوست موقعیکه با تفاق زن و فرزند کوچک خود از کلیسا برمیگشت غفلتاً مورد حمله عده ای سفید پوست قرار گرفت و همانجا بقتل رسید و محکمه بشکایت زن او ترتیب اثر نداده و قاتلین را تعقیب نکرد!

### دستگاه‌های دولتی باید تصفیه شود!

وقتیکه قانون تصفیه دستگاه‌های دولت از اشخاص دارای عقائد افراطی تصویب شد، در بیرون راندن کارمند؛ همینقدر کافی بود که او باطناً معتقد به طرفداری نژادسیاه شناخته شود و در میان پرسشهایی که از کارمندان میشد این سه فقره جلب توجه میکرد:

۱- آیا شما قبلاً تمایلی بطبقات محروم دارید؟

۲- عقیده شما درباره امتیاز سفید پوستان چگونه است؛ آیا آنرا غیر انسانی میدانید؟

۳- شما یا خائمتان تا کنون از یک نفر سیاه پوست بخانه خودتان بهمانی دعوت کرده‌اید؟

هر کارمندی که جواب مثبت باین سؤالات میداد دشمن و مخالف بادوات شناخته شده و باید از کار برکنار گردد!

### سیاستمداران شرمنده!

آنچه که در بالا از نظر خواننده محترم گذشت خلاصه‌ای از طرز فکر و روش غیر انسانی جمعیتی است که کوس دموکراسی و تمدن آنها گوش فلک را کر کرده است و بعضی از کشورهای عقب افتاده هم میخواهند مساوات و برادری را از آنها الهام بگیرند!

آری در همین آمریکای مترقی و آزادمنش با کمال تأسف ملاحظه میشود که شکارچیان سفید پوست ثروتمند در هالیوود و نیویورک دست بهمارهای بزرگی میزنند و حال آنکه در کنار آنها گله‌های بوهیان سیاه پوست در اثر بیماریهای خطرناک جان میدهند. و وقتی «جیمس هر دیت» دانشجوی سیاه پوست میخواهد در دانشگاه ایالت «می‌سی‌سی‌پی» نام نویسی کند؛ بقدری تشنجات مخالفین تساوی نژادی بالا میگردد که مطلعین اظهار نظر کردند نزدیک بود جنگ داخلی خونینی در ایالات متحده پدید آید!

اما باید اعتراف کرد که عده‌ای از رجال و سیاستمداران آن کشور از این وحشیگریها ناراحت و شرمند هستند و در آن موقعی که طرفداران برتری نژادی در ایالت «آلاباما» هزاران سیاه پوست را بقصد قتل عام در کلیساها، محبوس ساختند، سناتورهای آمریکایی رسماً اعلام کردند که:

اختلافات نژادی آبروی آمریکا را در سراسر دنیا بیاد داده است!  
ولی چه فایده که هنوز نتوانسته اند راه حل بر طرف شدن این اختلافات را (که همان بکار بستن اصول فطری ۱۴۰۰ ساله آئین مقدس اسلام است) پیدا کنند!

### نژاد پرستی دشمنان هیتلر

صهیونیسم یهودگرفتار همان درد نژاد پرستی است که آلمان نازی آنرا ترویج میکرد

و در حقیقت میتوان گفت طرفین بهزلا بهمین درد بودند؛ نازیها فشار صهیونیسم را بیشتر احساس میکردند!

اکنون صهیونیستهای اسرائیل یکی از ادله‌ای که برای اشغال فلسطین و آواره کردن مسلمانان دارند اینست که ما از نژاد (۱) سامی و نواده‌های عبرانی‌های قدیم (که در فلسطین میزیسته‌اند) هستیم! (۲)

### ناسیونالیسم عرب:

ما معتقدیم باید در نحوه تبلیغات برادران مسلمانان عرب ما تجدید نظر شود تا دیگران خیال نکنند که اسلام در چهار چوبه کشورهای عربی محدود گشته و تنها اختصاص به ملل عرب دارد، همین نحوه تبلیغات و طرز فکر برخی از دستجات افراطی سبب شده است که بعضی از نویسندگان مغرض مینویسند: تعصبات نژادی و قومی بقدری در بین ناسیونالیستهای عرب زیاد است که اگر راه بهشت را بآنها نشان دهند اما این راه را «ناسیونالیسم» عبور نکنند، هرگز در آن گام نمی‌گذارند، آنها تا حد «شونیسم» و برتری نژادی پیش رفته‌اند.

البته این طرز قضاوت هم افراطی و مغرضانه است ولی ما بخود حق میدهیم به برادران مسلمان خود صمیمانه پیشنهاد کنیم که اگر می‌خواهند در راه پیشرفت آئین جهانی اسلام خدمت کنند و عوامل مغرب را بکوبند، خوب است «ناسیونالیسم عرب» را به «انتر ناسیونالیسم اسلامی» (اسلام بین المللی) تبدیل کنند و در سخنرانیها و نشریات خود بجای «نحن العرب!»، «نحن المسلمین» و بعضی «یا ابناء العرب!»، «یا ابناء الاسلام» گذارده شود و به پیروی از تعالیم سعادت بخش اسلام از مرزهای نژادی و قومی بگذرند و تنها «اسلام و ایمان» را وسیله ارتباط خود قرار دهند، تا موجب تشنگی و اختلافات هر چه زودتر بر طرف گردد و مسلمین جهان در سایه وحدت کلمه بعظمت دیرینه خود بازگردند.

### دنیای سرگردان!

از مطالعه سطور فوق اجمالاً میتوان فهمید که دنیا در چه سرگردانی عجیبی بسر می‌برد و چگونه در آتش اختلافات و تعصبات نژادی و قومی فرورفته و روز بروز هم دامنه اختلافات و شمله‌های خطرناک بر تریبهای موهوم و وسیعتر میگردد و هنوز هم متفکرین عالم نتوانسته‌اند برای

(۱) در صورتیکه یهودیان کنونی که در سرزمین فلسطین سکونت دارند از نژادهای مختلف

و ممالک متعدد هستند و دورترین مردم به یهودیان قدیمی ساکن فلسطین میباشند!

(۲) برای کسب اطلاعات بیشتر به کتابهای «فلسطین» تألیف ودیع تلحوق و مسلمان

جهان، تألیف رهنما مراجعه شود.

پایان بخشیدن باین موهومات يك نظام سیاسی و اجتماعی که با اصول طبیعی حیات انسان سازش داشته باشد ؛ بمرحله اجراء بگذارند . . .

در اینجا ممکن است کسی بیاد اعلامیه ۳۰ ماده، جهانی حقوق بشر بیافتد و مواد آنرا که بمنظور حفظ حقوق افراد جوامع بشری ؛ تصویب شده است ، برخ ما بکشد !

اما با کمال تأسف علی رغم کسانیکه معتقدند ، تصویب اعلامیه حقوق بشر به بسیاری از بیداد گریها پایان داد ، باید گفت که مصوبین این اعلامیه هنوز نتوانسته اند حتی يك ماده آن را آنطور که باید و شاید اجراء کنند ؛ زیرا همه میدانند بعضی از متمدنین سفید پوست ؛ عضو سازمان ملل متحد و کسانیکه اعلامیه حقوق بشر را تصویب کردند ، در برخی از ممالک چه بلوایی بوجود آوردند و چگونه سیاه پوستان را بیجان هم انداختند ؟ !

و بالاخره بیداد گریهایی که درسراسر دنیا نسبت به «سیاه پوستان» و بطور کلی طبقات پائین و ملل ضعیف میشود مربوط بقرون وسطی و زمان ماقبل تاریخ نیست ؛ بلکه همه آنها بعد از دسامبر ۱۹۴۸ و مربوط به زمان تسخیر فضا و نیای دموکراسی و آزادی میباشد ؛

اکثرین مادر برابر دنیای بیچاره و سرگردانی قرار گرفته ایم که بزرگترین مجامع بین المللی با آنهمه کوششها و تلاشها که کرده هنوز هم نتوانسته است اورا پناه دهد .

### نمونه ای از نظامات اجتماعی و تعالیم عالییه اسلام

اگر راستی روزی دنیا بخواهد در صلح و صفا بسربرد و از چنگال خونین اختلافات طبقاتی و نژادی نجات پیدا کند باید به تعالیم عالییه و اصول اجتماعی و نظامات سیاسی آئین مقدس اسلام تن در دهد .

#### مسیو لوپلای M. Le. Play در کتاب خود مینویسد :

در نظامات مربوط باصلاح حال کارگران و رنجبران نتایج سوء و محظوراتی را که اروپا دچار آن شده ، در مسلمین هنوز محفوظ مانده و میان آنها يك سلسله نظامات عمده ایست که بوسیله آن صلح و آشتی بین غنی و فقیر ، برقرار میباشد و همینقدر کافی است که بگوئیم آن قومی که اروپا مدعی است که باید ویرا تعلیم داده ، تربیت کند ، واقعاً باید از او درس بگیرد .

در اسلام طبقات ممتاز و مناصب موروثی وجود ندارد و اصول نظامات سیاسی اسلام بسیار ساده است و تمام کسانیکه زیر نظر آن نظامات اداره میشوند از وضعیت و شریف ، غنی و فقیر ؛ سیاه و سفید با هم مساوی هستند .

#### گوستاو لوبون فرانسوی مینویسد : « در اسلام امتیازات شخصی ، طبقه ای و

خانوادگی بطور کلی ملغی و تمام مسلمین در نظر پیغمبر اسلام (ص) برادر و برابر میباشد . . .

در عرب يك چنین شخصی پیداشد که تمام طوایف و قبائل مختلف را تحت **دکلمه واحد**،

جمع نموده ، بزنجیر محکم قوانین و نظامات معینه آنان را مقید و پابند ساخت ؛ مسلمین از هر مملکت و نژادی باشند نسبت بهم اجنبی نیستند مثلاً يك نفر مسلمان چینی بواسطه اسلامش در مملکت اسلام عمان حق را دارد که يك نفر عرب بومی آنرا دارا است .

اگر چه پیروان اسلام از نظر ملیت و نژاد اختلاف زیادی باهم دارند ولی بوسیله مذهب یکنوع رابطه معنوی خاصی بین آنها موجود است که آنانرا باسانی میتوان تحت لوای واحد جمع نمود ؛ (۱) قرآن کریم ؛ کتاب مقدس آسمانی مسلمین میگوید : ای مردم ! همه شما از جهت نسب مساوی هستید برای اینکه پدر و مادر شما یکبست و اختلاف نسبی ؛ تنها برای شناسائی است نه مفاخره ، بهترین شما نزد خدا کسی است که پرهیز کارتر باشد . (۲)

پیغمبر گرامی اسلام در مقامات مختلف پیروان خود را از برتریهای نژادی و افتخارات قبیله ای بر حذر می داشت و میفرمود ؛ بواسطه اسلام نخوت جاهلیت و مفاخره به آباء و اجداد از بین رفت ؛ همه مردم از آدم بوجود آمده اند و آدم هم از خاک خلق شده است و عرب بر عجم فضیلتی نداشته و سرخ پوست و سفید پوست بر سیاه پوست ارج و منزلتی ندارد ، فضیلت و امتیاز از آن کسانی است که پرهیز کار تر باشند . (۳)

رسول خدا عقل مردم را بوسیله علم و روح آنها را بوسیله تقوی تقویت کرد و فضیلت و امتیاز را تنها در دانش و تقوی قرار داد و می فرمود : گرانمایه ترین مردم کسانی هستند که دانش آنها فزونتر باشد (۴)

و برای اینکه علاقاخ پوشالی بر تریهای قومی را از گون کند ؛ در فتح مکه به بلال سیاه پوست حبشی دستور می دهد که بالای بام کعبه برود و با صدای بلند اذان بگوید ، یعنی بلال سیاه پوست پرهیز کار باید با برفرق اشراف مکه گذارد و باد کبر و نخوت را از دماغ آنها بیرون کند همین بلال سیاه پوست در اثر ایمان و تقوی بمقامی رسید که بفرمان پیغمبر (ص) گردنکشان

(۱) کتاب تمدن اسلام و عرب صفحات ۱۴۶ ، ۵۱۱ ، ۵۱۶ ، ۵۱۷ و ۵۱۹ .

(۲) یا ایها الناس انا خلقناکم من ذرواتن و جعلناکم شعوباً و قبائل لتعارفوا ان اکرمکم عند الله اتقاکم (سوره حجرات آیه ۱۳) .

(۳) (اصول کافی چاپ جدید جزء دوم صفحه ۳۲۸ و ناسخ جلد پنجم احوالات رسول خدا صلی الله علیه و آله صفحه ۵۷ و تفسیر مجمع البیان) .

(۴) اکثر الناس قيمة اكثرهم علماً .

متخلف از قانون را مجازات می‌کرد و زمانیکه آنحضرت شنید که ابوذر غفاری ، بلال را بعنوان «مادر سرخ» خطاب کرده است برآشفته و باو فرمود : **بدان توجز با عملت از سیاه پوست و سرخ پوست برتر نیستی . ( ۱ )**

و به «جو بیبر» جوان بی پول سیاه بدون حسب و نسب فرمود :  
**ای جو بیبر ! همه مردم ، سفید ، سیاه ، قرشی ، عربی و عجمی از آدم بوجود آمده اند و خداوند متعال آدم را از خاک خلق کرده است . ای جو بیبر ! هیچک از افراد مسلمین از تو برتر نیستند مگر کسیکه پرهیز کارتر از تو باشد .**

و هنگامیکه به «زیاد بن لبید» که یکی از اشراف و ثروتمندان بنام عرب بود ؛ دستور داد که «ذلفا» دختر زیبای خود را بمقدنکاح جو بیبر در بیاورد و زیاد عذر آورد که ما با همدیگان خود وصلت نمیکنیم ؛ چنین فرمود :

**ای زیاد ! جو بیبر مرد مؤمن و مسلمانی است و هر مرد مؤمن و مسلمان کفو و هم شأن زن مؤمن و مسلمان میباشد ( ۲ ) . ای زیاد ! دخترت را با او تزویج کن و سراز خویشاوندی او بر متاب ( ۳ )**

**ابن ابی الحدید** در شرح نهج البلاغه نقل میکند که وقتی حضرت علی بن ابیطالب (ع) در برابر ناراحتی زنی که آنحضرت در تقسیم غنائم او را با مرد عجمی مساوی دانسته بود ؛ قرار گرفت ؛ چنین فرمود :

**من در این غنائم هریتی برای عرب بر غیر عرب نمی بینم . ( ۴ )**

تأثیر همین طرز فکر بلند و جهانی پیشوایان عالیقدر اسلام بود که عمرو عاص فرمانده سپاه مسلمین یکنفر مسلمان سیاه پوست را برای مذاکره نزد «مقوقس» پادشاه مصر میفرستد و وقتی باو خبر میدهند که پادشاه مصر به سیاه پوست اجازه ورود نمی دهد و باید شخص دیگری را بفرستی ! .

عمرو فرمانده لشکر گفت : ممکن نیست زیرا این مرد «سیاه چهره» از همه افراد ما پرهیز کارتر ؛ شجاع تر و بزرگوarter است و برای نمایندگی ما کسی از اوصالح تر نیست !

**پایان**

( ۱ ) کتاب « ابوذر غفاری » تألیف عبدالحمید جوده السحار نویسنده مصری صفحه ۹۷ چاپ دوم .

( ۲ ) یازید جو بیبر مؤمن و المؤمن کفو للمؤمنه و المسلم کفو للمسلمة فزوجه یازید و لا ترغب عنه .

( ۳ ) ناسخ التواریخ جزء چهارم احوالات رسول خدا (ص) صفحه ۷۹ : ۸۰ و ۸۱

( ۴ ) (شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید )